

تمایل عمومی مردم این عصر بر آنست که بگویند از فرد کاری ساخته نیست ، اول بایستی اجتماع را اصلاح کرد ، جامعه که



فاسد است ، فرد چه میتواند بکند ، از جمع مردم نمیتوان کناره گرفت و . . . . . واز همه این تعابیر بغرنجتر و تخدیر کننده تر وقتی است که اگر فردی مرتکب خطا شده است ، عده ای میگویند جامعه خراب است که این فرد را به فساد ی نظیر قمار ، قاچاق فروشی یا عمل ضداخلاقی و شرعی آلوده کرده است . با این تعبیر نتیجه میگیرند که فرد خاطی بیگناه است و جامعه گناهکار .

این طرز فکر که اگر در جامعه فاسد فردی مرتکب فساد شود قابل بخشش است ، با موازین شرعی و مسئولیت فردی سازگار نیست خداوند میفرماید ایمان خود را نگهدارید



محمد حسن  
آموزگار

فرد در  
تربیت خویش  
مسئول است

که اگر همه گمراه شوند و شما براه هدایت باشید ب شما زیانی نخواهد رسید . و می - فرماید : <sup>(۳)</sup> هیچکس بارگناه دیگری را بردوش نمیکشد و میفرماید : <sup>(۴)</sup> برای هریک از ایشانست آنچه که از گناه بجای آوردند و میفرماید <sup>(۵)</sup> برای هرکدام درجه‌هایی است (براساس) اعمالی که انجام دادند و وفا میشود ( از لحاظ پاداش و کیفر ) در دادن نتیجه کارشان و مورد ستم قرار نمیگیرند .  
و فرموده است : <sup>(۶)</sup> ای اهل ایمان حفاظت کنید خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که آتش - افروز آن مردم ( دل سخت کافر ) و سنگ است و فرموده است : <sup>(۷)</sup> هرکس مرتکب گناهی شود پس همانا ( حاصل گناه را ) بر خودش حاصل کرده و پروردگار دانا و حکیم است .  
و در این آیه که بطور مستمر ناظر بدنیا و قیامت است میفرماید <sup>(۸)</sup> ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم که ملازم و قرین همیشگی او باشد و روز قیامت کناسی که نامه اعمال اوست بر او بیرون آریم در حالیکه آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آنرا یکمرتبه ملاحظه کند ، و باو خطاب رسد که تو خود کتاب اعمالت را بخوان و بنگر که در دنیا چه کرده‌ای که تو خود برای حساب رسی خودت کافی هستی و میفرماید : <sup>(۹)</sup> هرکس راه هدایت پیش گرفت تنها بنفع و سعادت خودش راه یافته و هرکس بگمراهی قدم نهاد او هم بزیان و شقاوت خود شتافته و هیچکس

بار عمل دیگری را بدوش نگیرد و ما تا رسول نفرستیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد .  
و میفرماید <sup>(۱۰)</sup> : برای آدمی جز آنچه بسعی و عمل خود انجام داد ( ثواب و جزائی ) نخواهد بود و البته انسان پاداش عمل خود را ( درد دنیا و برزخ ) بزدوی خواهد دید ، سپس ( در آخرت ) به پاداش کاملتری خواهد رسید .

وقتی به مجموعه آیات فوق توجه کنیم در رابطه با فردیت یعنی فرد در قبال خود و خداوند نکاتی چند استنتاج میتوان کرد .  
الف : فرد مسئول حفظ خویش است و مبارزه با نفس و تزکیه نفسانی یا خودسازی همه در همین رابطه‌اند ، اگر فرد صیانت نفس نکند و زمام خود را بدست هوس و امیال خود بسپارد از خداوند غفلت خواهد کرد و به راهی انحرافی میافتد که موصل به الله نیست و رضای خداوند را تامین نمیکند و بخاطر چنین انصرافی از خداوند است که خسران میکند .

ب : چنانچه فرد به صیانت و تزکیه نفس خود تصمیم بگیرد و اقدام کند هیچ نیروی انحرافی نمیتواند او را از صراط مستقیم بیرون برد و هیچ قدرتی نمیتواند به او آسیب برساند .  
و مراد از آسیب اینست که عاملی انسان را از حوزه طاعت رب بیرون ببرد و الا که در راه وصول به رضوان خداوند هر دشواری و مصیبتی که پیش آید برترین هژد لطفاً ورق بزنید

(جزء الاوفی) را خواهد داشت ، در همین مورد باین نتیجه میرسیم که اگر تعداد منحرفین بسیار وافراد مذهب در اقلیت باشند ، هراسی باینان دست نمیدهد و دنباله رو جمعیت نمیشوند .

ج : انسان نمیتواند گناه خود را بدیگری نسبت دهد و یا در قبال جامعه فاسد گناه خود را بجامعه نسبت دهد و یا چنین انتسابی خود را میرا بداند ، هر فرد مستقلا و همزاه با اعمال نیک و بد خود محشور میگردد و به پیشگاه عدل الهی حاضر میشود و به او رسیدگی میکنند و وی را پاداش و کیفر میدهند ، و اصلا مجموعه‌ای بنام اجتماع نخواهد بود که بر اثر انحراف و خطای حاصل از سوی فرد یا افراد به محکمه احضار گردد و آن مجموعه را کیفر دهند ، و چنین مجموعه‌ای بعنوان عامل موثر در گناهکاری فرد امری مفروض و موهوم است و هرکس حاصل عملش در التزام خودش و برگردن خودش است و شخصا بایستی پاسخگو باشد و چنانچه دلیلی بیاورد که جامعه مرا بفساد کشیده خواهند گفت تو چرا کشانده شدی و پیروی از اجتماع فاسد کردی؟ و چرا مثل فلان فرد صالح که از آلائشهای شایع در میان اجتماع خود را مصون نگاهداشت تو خود را محفوظ نگاه نداشتی ؟

اینگونه دلیل تراشی در فرهنگ بازمانده ما از طاغوت بسیار شایع است تا آنجا که

وقتی فردی به جرم خلاف یا جنایت در دادگاه محکوم میشود پاره‌ای از شکاکان و عموم طاغوتیان میگویند جامعه را اصلاح کنید زیرا شرایط اجتماعی این فرد را بانحراف کشانده . . . . و باین تعبیرات با اجرای قصاص و حدود مخالفت میورزند این تعبیر و در واقع محبتی مسخ شده است که به اشاعه فساد میانجامد .

د : درجات و موقع هر فرد بر حسب عمل او ( از خطا و صواب ) معلوم میگردد و مـسـلاکـ سنـجـش عمل است و اعتبار عمل مربوط به نیت خالصانه فرد و انطباق عمل با موازین الهی است .

ه : سعد و نحس و سعادت و شقاوتی که به فرد دست میدهد حاصل ذهن و فکر و عمل خود اوست و طرز فکر مثبت یا منفی که نسبت به جلوه‌های طبیعت و اجتماع عرضه میکند ناشی از نیت و عزم و اراده خود اوست ، پس میتواند خوشبین و امیدوار باشد .

و : هرچه بفرد میرسد حاصل سعی و تلاش وی است و چنانچه بخواهد به پاداشی برتر برسد بایستی کوشش کند مزد کسی را به او نمیدهند و حاصل عمل وی را بدیگری نخواهند داد .

ز : هر رفتاری که از فرد ظاهر گردد اعم از گفتن ، شنیدن ، دیدن ، دست زدن ، و نیت کردن بهیچوجه محو نمیگردد بلکه ثبت و ضبط میشود و در نهایت در یک مجموعه نشر یافته و به رویت فرد رسانده خواهد شد و

خود نباشد بلکه نیازها را کنترل کند .  
 از اینکه خداوند میفرماید : بر شماست  
 حفاظت نفسان ( علیکم انفسکم ) چند  
 نکته اتخاذ میکنیم اول اینکه بانسان  
 توانائی داده شده که خود را رها سازد و به  
 دست امیال سرکش بسپارد با اینکه در برابر  
 نفس اماره مقاومت کند وبا هیجانات نفس  
 بستیزد .

دوم اینکه میزان رفتار صحیح از غلط را  
 خداوند تعیین فرموده و انبیاء و امامان ابلاغ  
 داشته اند و پیام آنها بانسان مسلمان رسیده  
 است و اگر برای شناخت پویا نبوده خود مقصر  
 است .

سوم اینکه انسان آزاد است که بپذیرد یا  
 نپذیرد و اطاعت از فرمان خدا نماید یسا  
 عصیان ورزد همه تلاش وهم خود را دنیا  
 قرار دهد یا رضوان خدا و لقاء خدا را هدف  
 قرار بدهد ، و پویائی در این گفتار بمعنی  
 دنیاگرایی ( حیوه الدنیا ) نمیباشد .

چهارم اینکه درهین حال که موازین برای  
 انسان معلوم گردیده و انبیاء و امامان و فقهاء  
 دین تشریح کرده اند و در هر زمان و مکان  
 دسترسی بدانها بوده وهست مع الوصف  
 انسان وقتی به درون خود مراجعه میکند ،  
 خطا را از صواب میشناسد و این دورا از هم  
 متمایز میکند .

در صحنه محشر بدو خواهند گفت این حاصل  
 اعمال توست ، مشاهده کن و خودت قاضی  
 خودت باش و بحساب خودت برس ، درهین  
 رابطه میفرماید : ما انسان را خلق کردیم<sup>(۱۰)</sup>  
 از وسوس و اندیشه های نفس او کاملا آگاهیم و  
 از رگ گردن او به او نزدیکتریم ، هنگامیکه  
 میگیرند ( عمل و اندیشه خیر و شر او را ) دو  
 گیرنده که در راست و چپ او نشسته اند ،  
 هیچ سخنی در فضای دهان نمیآورد مگر آنکه  
 در همانجا مراقبی و آماده کننده مقدماتی  
 ( عتید ) ( برای نوشتن ) حضور دارند .

براساس هشدار فوق ، پویائی فرد بدین  
 معنی است که لحظه بلحظه کاوش میکند تا  
 رفتاری را که مطابق با رضای الهی است  
 برگزیند و لحظه بلحظه جستجو میکند تا  
 اندیشه و عملی را که با موازین الهی منافات  
 دارد از خود بدور دارد ، هر دم بخود  
 آگاهی و تذکر میدهد که اقلا دو مامور هستند  
 که از سوی خدا اعمالت را ثبت و ضبط  
 میکنند و بر تو ناظر هستند ، اینچنین فرد اگر  
 اضطراب خاطری دارد اینستکه برخلاف  
 موازین ره نسپرد و اشتیاق او همه اینستکه  
 عملش صواب باشد ، لذا هم آن اضطراب  
 سازنده و تربیت کننده است وهم این اشتیاق  
 برپویائی و تحرک میافزاید تا فرد لحظات را  
 از دست ندهد و وجود خود را بوج ننگ ندارد  
 اینطور مراقبت از نفس موجب میشود که فرد  
 خود را در میان دو حد افراد و تفریط بحالت  
 اعتدال نگاهدارد و تابع نیازها و نفس سرکش



# هدف تعلیم و تربیت اسلامی

مقدمه : پیام آسمانی اسلام با شناخت عمیقی که از انسان دارد او را اینچنین معرفی مینماید " إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا " " إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا " " وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا " - انسان حریص وهلوع آفریده شده است هنگامی که نا ملایمی به او میرسد جزع و بی نابی سر میدهد و هنگامی که خیری بر او رسد آنرا از دیگران منع میکند .

این صفت را که زیاده طلبی و گسترش خواهی مینامیم در هر انسان تربیت ناشده و بویژه در کودکان در آغاز سنین فهم و تمیز میبایم و همین صفت موجب برخوردها و ظلمها و ستم شده و میشود و تا این حس زیاده طلبی در انسان هست این ظلم و ستم و جنایتهای پی- آمد آن نیز هست .

آیا میتوان با این حس مبارزه کرد و آنرا از وجود انسان برون برد ؟ مگر نه اینست که این خلق و خوی جزو آفرینش انسان است ؟ درست است که این خوی جزو آفرینش انسان است ولی انسان در کاربرد آن بسه اشتباه افتاده و میافتد و لذا خویشتن و دیگران را بهرنج و ناراحتی میافکند و هیچگاه هم اشباع نمیشود و پیوسته باکامی تشنه و جانی خسته درین سرآب میرود و عاقبت نیز در این راه جان میدهد و شرمنده و تهی دست خدا را ملاقات میکند .

بر اساس رهنمودهای قرآن کریم ، خدا این خوی گسترش خواه را در انسان نهاده تا

معشوق انسان ، زیبایی بیکران ذات مقدس پروردگار است وانسان بیجهت باین آینه‌ها که گوشه‌ای از زیبایی او را نشان میدهد عشق میورزد .

پس نخستین قدم خداشناسی است :

و برای وصول باین نخستین قدم پرورش ، قدرت مشاهده وتفکر دقیق لازم میباشد ، قرآن تمام پدیده‌های جهان را آیه‌ها و نشانه‌های قدرت و جمال او میداند و میگوید به برگ و گل بنگرید ، به شکوفه و میوه نگاه کنید ، بخود بنگرید ، وآسمان ودریایا و

لیاقت دیدار هستی مطلق و قدرت بینهایت را داشته باشد و خود را برای این ملاقات عظیم آماده نماید ، بدیهی است کسی که بخواهد این ظرفیت عظیم را که منحصر با دیدار پروردگار و ورود در بهشت جاوید آخرت وهمنشینی با ابرار و اولیاء پر میشود بادگر چیزها که خودگذرا و نابود شدنی هستند پرکند علاوه براینکه همیشه از تهی بودن رنج میبرد خود را وارزشهای وجودی خود را بنابودی میکشاند واز اینجهت ملاحظه میکنیم که با سرعتی وحشت زا به غارت وچاپاول میپردازد تا جان تهی و خالی از ارزش خویش را پرکند و نمیتواند .

اسلام در برخورد با این صفت انسان ، اختیار انسان او را گوشزد مینماید و میگوید ما انسان را برای جاودانگی آفریدیم و دنیا را برای بهره‌مندی سفراو قرار دادیم و او نباید بیشتر از ارزش متاعی بدنیا بنگرد و دنیا را دار قرار بیندارد .

اشباع زیاده‌خواهی وگسترش‌طلبی او فقط با یاد خدا وانس با او واتصال با هستی مطلق ودریای وجود میسر است لذا مشاهده میکنیم درپی همان آیات که انسان را هلوع وحریمی وجزوع معرفی میکند مصلین را ازاین دسته استثناء مینماید آنهم نمازگزارانی که در نمازشان مداوم هستند ویاد خدا از دلشان بیرون نمیرود و خدا را فراموش نمیکند از اینجا بخوبی روشن میشود که هدف انسان وآرام بخش انسان ومحبوب و



لطفاً ورق بزینید





برای رفع نیازهای خود کار کند و بکوشد  
 والبته در این جا منظور کار مفید است که  
 نیاز واقعی او را برطرف کند و در اسلام  
 بهترین افراد کسانی شمرده شده اند که  
 برای بندگان دیگر خدا سودمندتر باشند  
 بنابراین انسان مسلمان کار نمیکند که سود  
 ببرد بلکه کار میکند که سود برساند و دیگر  
 انسان اسلام تمام وقت خود را تلاش نمیکند  
 که سود بیشتری ببرد ، بلکه برخی از وقت  
 خویش را برای مرمت معاش تلاش میکند و  
 بخشی بخدمت رایگان با اجتماع اختصاص  
 میدهد و بعضی از وقت را برای انس با خدا  
 اختصاص میدهد و قسمتی هم به لذت بردن  
 از نعمتهای خدا و مصاحبت با زن و فرزند و  
 مادر و پدر و دیگر اقوام میگذراند .

انسان اسلام آنچه تولید نکرده مصرف  
 نمیکند و خویشتن را مقروض و مدیون نمی -  
 پسندد و لذت زندگی را در آزادی و قناعت  
 میداند .

صرفه جوئی و بیهوده مصرف نکردن از  
 مهمترین دستوراتی که به لذت زندگی می -  
 افزایش پیامبر گرامی ماحتی از دورا فکندن یک  
 هسته خرما و یا ریختن بیجای یک ته ظرف  
 آب نهی کرده اند ، پیوسته مسلمانها را بیک  
 زندگی کاملا ساده و بی آرایش و دور از تجمل  
 امر میفرمودند و بندگان خدا را آن کسان  
 معرفی میکردند که با کمال سادگی بر زمین  
 زندگی کنند ، پیامبر خود از پوشیدن  
 پیراهن اندکی گران امتناع میورزید و پیراهن

ستارگان را مشاهده کنید و در همه اینها  
 نشانی از آن قادر و زیبای بی نشان ببینید و  
 از این درجههای تنگ سربیزون کنید و او را  
 بنگرید ، با این بیان طبیعت شناسی آمیخته  
 با خداشناسی و یاد خدا خواهد بود و انسان  
 مسلمان وقتی به جهان مینگرد گویی بسه  
 آینهای مینگرد که او را نشان میدهد .

تربیت این قدرت مشاهده و نیروی تفکر و  
 توجه و یاد را از نخستین مسئولیتهای آموزش  
 و پرورش اسلامی است .

" و خدا شما را از شکمهای مادران برون  
 آورد که هیچ نمیدانستید و برای شما چشم و  
 گوش ، هوش قرار داد تا شکر گزار او باشید "  
 بدین ترتیب این اصلی ترین نیاز انسان  
 در عشق و محبت بخدا برآورده میشود که  
 مومنین خد را بسیار دوست دارند .

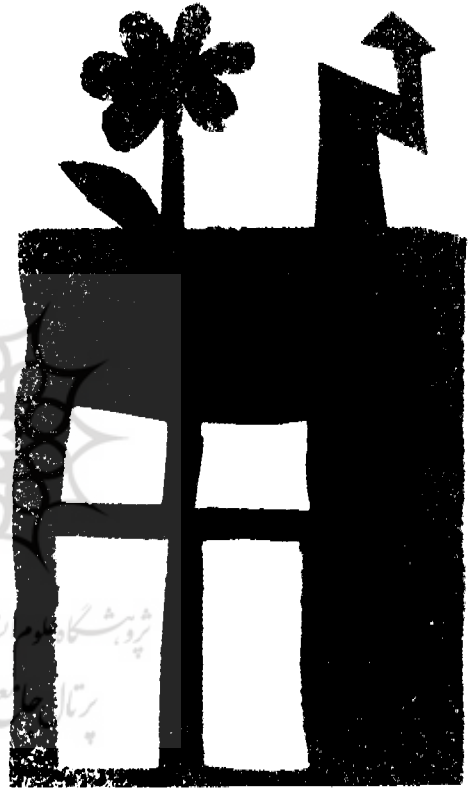
بر اساس رهنمود قرآن انسان مسلمان راه  
 وصول به قرب و رضایت پروردگار را باید با  
 سعی و رنج و تلاش بپیماید و بدینجهت خدای  
 بزرگ نیازهائی برای او قرارداده است و او  
 باید براین نیازها آگاه باشد و برای رفع آنها  
 بکوشد .

" و خدا شما را از زمین آفرید و به آبادانی  
 زمین شما را فرمان داد "

و بنابر سخن ارزشمند پیامبرمان که " هرکس  
 که بار زندگی خویش را بردوش دیگری نهد  
 از رحمت خدا بدور است " هرکس بایسد

ارزانتر میبوشید و اضافه‌اش را به مقروضی می‌بخشید .

اسلام بر توقیر و احترام بزرگتر و رحمت و مهر بر کوچکتر بسیار اصرار نموده است در این میان با تاکید بسیار احترام و احسان به پدر و مادر را گوشرد نموده است و آنگاه



درباره همسایه تاکید نموده و پیامبر فرمود شایسته نام مسلمانی نیست آنکس که بر سفره چرب و رنگین بنشیند و سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد ، خبر گرفتن از حال همسایگان و رسیدگی بآنان از مسائل مورد توجه اسلام است انفاق و دوری از ظلم و قتل

نفس و زنا و روابط نامشروع زن و مرد از نکاتی است که کرارا یادآوری شده است ، شکمباره نبودن ، پرخور و بظال نبودن ، کم خواب و پرکار بودن از اصولی است که مورد توجه فراوان میباشد .

در یک جامعه اسلامی مردمش برای تحصیل پول کار نمیکنند بلکه برای خدمت و کمک به دیگران میکوشند ، به رفاه خویش نمی‌اندیشند بلکه به رفاه پدر و مادر و برادر و خواهر و همسایه و دیگر نزدیکان و سایر مسلمانان اندیشه میکنند .

در نتیجه بدون اینکه نکاتر و تکالیبی پیش آید همه افراد جامعه برای رضا و خشنودی پروردگارشان به یکدیگر خدمت میکنند و همگی از رفاه و آسایشی که برادرانشان برای آنها فراهم آورده‌اند بهره میبرند و زیست میکنند و بالاتر اینکه در بینش اسلامی رفاه چندان مطلوب نیست بلکه سعی و تلاش مطلوب است و آنهم سعی و تلاشی که دیگران را بهره مند کند و گره از کار آنان بگشاید .

در جامعه اسلامی از تجربیات مختلفی که دست آورد قرن‌ها تفکر و تلاش بشر است استفاده میشود و انسانهای این جامعه از یکسو همگان تعلیم میگیرند و از سوی دیگر تعلیم میدهند ، معلم با مهر و تواضع با شاگردان برخورد میکند و متعلم هم با توقیر و احترام از معلمش پذیرائی مینماید ، بدین ترتیب درون اجتماعشان مهرباست و صفا و صمیمیت بقیه در صفحه ۴۳



# لَا تُضْرِبُهُ وَ لَا تُهْجِرُهُ وَ لَا تُطْلُ الضرب = زدن هجران = دوری کردن

با حیوانات سرکش و یاغی صورت میگیرد انجام داد یانه و در صورتیکه اسلام با تنبیه کردن کودکان مخالفت میبورد ، چه نوع رفتاری را در قبال کودکان دشوار پیشنهاد میدهد و آن طرح پیشنهادی کدام است ؟ از این گذشته چرا تنبیه نمیتواند یک عامل تربیتی صحیح قلمداد گردد ؟

## تنبیههای طبیعی :

بدون تردید کودکان در مواردی طبیعی وقتی رفتارشان اصولی و صحیح نباشد در اولین برخورد با نتایج اعمال خود بخود حالت تنبیه پیدا کرده از تکرار چنین رفتاری خودداری مینمایند

یکی از مسائل مورد ابتلاء برخی از خانوادهها و مدارس تنبیه کردن کودکان است شاید بسیاری از معلمان و مربیان درباره تنبیه شدن و یا تنبیه کردن خاطرات تلخی دارند در تاریخ ۶۰/۲/۲۹ در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته بود که در شهر آمل کودک نوآموزی که بعلت تنبیه معلم دچار خونریزی مغزی شده بود در بیمارستان درگذشت فراموش نکنیم که این کودک دانشآموز کلاس دوم ابتدائی بوده است ضمناً این موضوع از نظر تربیتی نیز حائز اهمیت است در این مقاله سعی شده است تنبیه کردن از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته معلوم شود معلم که امانتدار است و شاگرد امانت اوست آیا در این امانت الهی میتواند همان رفتاری را که

بعنوان مثال کودکی که دست خود را به بخاری و یا سماور میزند پس از احساس سوزش دیگر حاضر نیست این عمل را تکرار نماید و اگر او را بانجام چنین کاری تشویق بکنند کودک از انجام مجدد آن سرباز خواهد زد .  
 حالا در اینجا این سؤال پیش میآید که چرا کودکان در خلفاهائی که انجام میدهند و بزرگترها آنان را از انجام مجدد آن باز میدارند بسخنان آنها گوش نداده دوباره بخلاف کاری میپردازند بطور احتمال میتوان پاسخ داد که کودکان در اینگونه موارد پیش از آنکه با زیانهای عینی و حتی آن اعمال برخورد کنند سخنان بزرگترها را یکنوع تحمیل عقیده دانسته از آنها سرپیچی مینمایند اضافه کنید که اولیاء بجای توضیح و تشریح عواقب امر بتوبیخ و تندی نیز میپردازند ، بروز مقاومت و لجبازی کودکان در این مرحله تقریباً امری عادی و طبیعی بنظر میرسد چه *الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَىٰ مَأْمِنِهِ* : انسان ها در کارهای ممنوعه حرص بیشتری از خود نشان میدهند در حالیکه اگر زیانهای آن عمل اشاره شده و عواقب آنرا بصورت ملموس و عینی در مآهد و اصولا در عدم انجام آن از خود شدت وحدتی نشان داده نمیشد شاید حالت پذیرش و ترک آن عمل در کودکان بهتر و کاملتر بوجود میآید بعنوان مثال برای ترک دروغگوئی سعی میشد داستان یک کودک دروغگو بصورت فیلم برای او ارائه داده میشد و کودک بچشم خود

عواقب دروغگوئی را مشاهده میکرد و حال آنکه در چنین مواردی علاوه بر آنکه بهوشان دادن فیلم و اسلاید نمیدرآیم بلکه به توبیخ و تنبیه کودک اقدام مینمائیم در چنین وضعی کودک عامل بازدارنده را خواست و اراده مریی دانسته در برابر آن مقاومت خواهد کرد زیرا باعتقادش ترک این رفتار باو تحمیل شده است روی این مقدمات کودک بعنوان برخوردار با ضرروزیان آن رفتار خویشتن را از ارتکاب مجدد باز نخواهد داشت بلکه عامل باز دارنده در اینگونه موارد تنبیه و کتک و توبیخ قلمداد خواهد شد و بسیار واضح و روشن و بدیهی است اینگونه عوامل دائمی نبوده بلکه بطور موقت می توانند نقش بازدارنده را ایفا کنند در اینجا پیش از آنکه بطرح پیشنهادهای اسلام اشاره کنیم یادآور میشویم که اصولاً اسلام تنبیه را درباره انسانها تجویز نکرده و آنرا یک عمل حیوانی محسوب داشته حتی درباره حیوانات نیز بطور مطلق تجویز نمینماید : رسول اکرم (ص) درباره تنبیه حیوانات میفرماید : *أَضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ وَلَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِتَارِ* اگر حیوانات طغیان و چموشی نموده ورم کردند آنها را بزنید ولی برای لغزیدن و یا زمین خوردن از زدن آنها خودداری کنید .  
 و در موردی دیگر رسول خدا (ص) تاکید فرمودند اگر حیوانی را تنبیه میکنید مراقب باشید بصورت حیوان ضربه بزنید چه تمام لطفا ورق بزنید



حیثیت حیوان وابسته به چهره اوست از این گذشته حیوان با چهره خود خدا را تسبیح میکند وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا نَاتِحًا تَسْبِيحَ بَحْمَدِ رَبِّهَا : از این مقدمات بخوبی میتوان استفاده کرد که اسلام تنبیه را عامل تربیتی قلمداد نموده است .

عامل تربیتی و بازدارنده از نظر اسلام :

انسان از نظر شخصیت در منطق اسلام بسی والا میباشد لهذا زینده نیست که همان رفتاری که با حیوانات انجام میگیرد با نوع انسانی نیز انجام گیرد لذا وقتی شخصی از علی علیه السلام میپرسد با کودک دشوار خود چگونه رفتار کند حضرت میفرماید او را نزن بدیهی است که زدن کودک معایب فراوانی دارد یکی آنکه روی کودک را باز میکند و علاوه بر آنکه مانع پرورش نیروهای انسانی کودک میگردد نوعاً بعنوان عقده گشائی بکار گرفته شده بهیچ نوع مطابقتی فیما بین عمل ناروا و تنبیه و میزان و تعداد آن رعایت نمیشود روی این خصوصیات علی علیه السلام طرح بهتری تجویز نموده میفرماید باید بر اثر آن عمل زشت از خود عکس العمل نشان داد و آن عبارت است از کناره گیری از او بطوری که خود این متارکه و اعتدال نشان دهد که آن عمل بد باعث

شده که چنین وضعی پیش آید درحقیقت کودک باعلاقه و شوقی که به مربیان خود دارد در چنین وضعی احساس خواهد کرد که این بی اعتنائی و کناره گیری معلول رفتار خود او بوده است بدون آنکه تندی و خشونت و یا تنبیه و کتکی انجام گرفته باشد روی این اصل کودک عامل پیدایش این عکس العمل را رفتار خود خواهد دانست و چون با تحمیل و اجبار برخورد نکرده بر روی حالت پذیرشی که در او بوجود آمده آن کار را ترک خواهد کرد ، نکته جالب و حساسی که علی علیه السلام در ذیل روایت میفرمایند اینست که بمری دستور میدهد که این انقطاع و عدم پیوند نباید طولانی باشد چه در چنین صورتی روح عصیان را در او بیدار خواهد کرد چه با طولانی شدن متارکه روز بازگشت برویش بسته خواهد شد لهذا سفارش میفرماید کد باید مری مراقبت کند که پس از گذشت مدت لازم و ضروری ارتباط خویش را مجدداً برقرار سازد ، همبستگی میان رفتار زشت و کناره گیری را کاملاً رعایت کرده باشد .

در آیات قرآن در مواردی که مردان بیم آن را دارند زنانشان راه ناسازگاری در پیش گیرند در صورتی که پند و اندرز برایشان مفید واقع نشد خداوند نیز روش متارکه و کناره گیری را تجویز نموده است میفرماید : **وَ اَهْرُوهِنَّ فِي الْمَضَاجِعِ** یعنی بی اعتنائی

نایسزاده همیشه با عاطفه و مهر با او رفتار خواهد کرد و برای پیشگیری از سوء رفتار شاگردان و جلوگیری از ارتکاب خلاف لازم است معلم با ایما و اشاره و تعریض و کنایه راه گشای تربیت اخلاقی شاگردان بوده و از تخلف آنها جلوگیری بعمل آورد در صورتیکه ضرورت ایجاب نکند باید از آشکارگوئی و تصریح به تخلف شاگرد خودداری نماید و همواره از عامل لطف و محبت و مهر و مودت استفاده کند و آنان را بخاطر تخلف و سوء رفتار توبیخ ننماید چون اولاً تصریح و آشکار گوئی پرده هیبت و ابهت معلم را از هم دریده موجب جرات و جسارت شاگردان در ارتکاب خلاف و سوء رفتار و تخلفهای اخلاقی میگردد و ثانیاً باعث میشود که آنان بیش از پیش با حرص و ولع فزون تری در تخلفهای اخلاقی اصرار ورزند .

در خاتمه بروایتی از امام جعفر صادق (ع) که منضم بزرگداشت پدر روحانی و معلم نیز میتواند باشد متذکر میشویم امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند : **وَمَنْ الْعُقُوقُ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلَ إِلَى الْوَالِدِيهِ فَيَحِدُّ النَّظْرَ إِلَيْهِمَا :** یعنی یکی از نافرمانی و عقوق فرزندان اینست که با تندی و حدت بچهره پدر و مادر خود نظر بیفکنند یعنی با غضب نگاه کنند بنابراین دانشآموزان حق ندارند بچهره معلمان خود با حدت و غضب بنگرند چه اینکار خود یکنوع نافرمانی و عصیان نسبت به پدر روحانی قلمداد خواهد شد .

برای شاگرد کاملاً تبیین شده باو تفهیم کرد که از نظر اسلام دانشآموز چه مقام و موقعیتی را دارا میباشد بدیهی است تا شاگرد بارزش علم و تعلم پی نبرد هیچگاه قادر نخواهد بود حدود و وظائف خود را با معلم و مربی رعایت نماید ناچار در اینجا بحدیثی که در این باره از رسول خدا (ص) نقل شده اکتفا مینمائیم : **رَسُولُ اللَّهِ (ص) فرمودند : مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضَاءً وَانَّهُ يَسْتَعْفِفُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخَوْتُ فِي الْبَحْرِ :** هرکه برای خدا دنبال دانش برود همانا براه بهشت میروند فرشتگان بخاطر خوشنودیش بالهای خود را بزیر قدمهایش میگسترانند و تمام موجودات آسمانی و زمینی برای دانشآموز طلب رحمت و استغفار مینمایند حتی ماهیان دریاها .

بیائیم انصاف بدهیم در کدام فرهنگی موقعیت دانشآموز اینسان ستوده و ارزشمندی و تعالیش بیان شده است .

ضمناً معلمان نیز با توجه باین حدیث و نقش حساس پدر روحانی خواهند فهمید که بچه کار ارزشمندی اشتغال داشته و کارشان ناچه حدودی ظریف است و چگونه باید با دانشآموز رابطه برقرار سازند بدیهی است پسر هیچگاه در برابر فرزندش بعنوان مقابله



## ابداعات و ابتکارات پاره‌ای از انجمن‌های اولیاء و مربیان

علاوه بر مسائل و مشکلات خانوادگی در بسیاری از مدارس مشکلات مالی و محدود بودن بودجه مانع میشود که لوازم تحصیل و معلم باندازه لازم و کافی در دسترس کودکان قرارگیرد - از طرف دیگر بین معلمین و اولیاء

کودکان ما ! چقدر دوست داشتنی هستند سرشار از انرژی و تحرک و سرزنده و بازیگوش معصوم و قابل اعتماد و با گذشت ، کنجکاو و حریص برای یاد گرفتن .

کودکان ما ! چه امیدهای بزرگی برای آنها داریم ! برای خوشبختی و موفقیت‌شان در سراسر زندگی و عمرشان ! هریک از آنها منحصر بفرد بوده و باید طوری تربیت شوند که بتوانند استعداد و تخیل و توانائیهای خود را بکار اندازند . مدارس و خانه‌های ما باید بهترین محیط برای هریک از بچه‌هایمان باشد برای اینکه یاد بگیرند و رشد یابند ، لیکن امروزه فراهم ساختن آنچه که بچه‌ها واقعا بدان نیاز دارند آسان نیست .

اختلاف نظر زیادی در زمینه اینکه بچه چگونه باید تربیت شود وجود دارد پس اولیاء و مربیان چگونه میتوانیم وضع مدارس و جامعه مانرا بهبود بخشند بنحویکه واقعا پاسخگوی نیاز کودکان باشند - انجمن اولیاء و مربیان گروه سازمانی است که تنها هدف آن برآوردن نیازهای کودکان و جوانان در جامعه است - یامدیریت موثر این انجمنها میتوانند تاثیر چشمگیری در زندگی کودکان داشته باشند - مثلا در یکی از شهرها انجمن اولیاء و مربیان مدرسه‌ای تصمیم گرفت مادران را در شناخت ناراحتیهای چشم کودکان تعلیم دهد تقریبا همه کودکان آن محل از این طریق معاینه شدند - در شهر دیگری یکی از انجمنهای خانه و مدرسه مقداری از کارهای ساختمانی نظیر ساختن راههای کوچک فرعی و پلهای کوچک را انجام داد و بدین ترتیب شهرداری و دولت را متقاعد ساخت که اتمام کارها را بعهده بگیرند - باز در شهر دیگری یکی از انجمنهای اولیاء و مربیان ۲۰۰ نفر داوطلب را بسیج نمود که درکار بهبود قرائت و خواندن بچه‌ها همکاری کنند - در یکی دیگر از شهرها یکی از انجمنها طرحی در مورد جوانان معناد بمواد مخدر اجرا کرد در دیگری یکی از انجمنها دوره‌ای ترتیب داد برای اینکه بکودکان یاد بدهد چگونه سمینارها و گردهمایی‌ها را اداره کنند .

اینها فقط چند نمونه از هزاران مورد است

انجمن اولیاء و مربیان یک نیروی فعال سازنده در راهبهدود تصمیمات مدرسه - ونیز در زمینه بهداشت و مراقبت کودکان وجوانان وهمچنین ایجاد روابط بهتر و مطلوبتر بین اولیاء و مربیان وشاگردان وجامعه میباشد مدیریت موثر در انجمنها وتأمین موجبات شرکت فعال اعضاء از عوامل اصلی است ونشان میدهد که چگونه انجمنها میتوانند موجب بهبود در مدرسه ودر جامعه گردند موفقیت دراین راه در اثر رهبری موثر انجمنها وشناخت مسائل واجد اولویت وایجاد انگیزه‌ها در اعضاء امکان پذیر میشود .

یکی از مسائل مهم انتخاب افراد برای احراز مسئولیتهای مهم در انجمنها ( اعم از ریاست انجمن ویا ریاست کمیسیونها است ) وقتی اشخاص موقعیت وپستی را قبول میکنند در واقع مسئولیت عمده‌ای را بگردن میگیرند و اولیاء ومسئولین مدرسه وكودکان جامعه روی آنها حساب میکنند - ضمنا باید گفت اگر کسی بخواهد اصول رهبری را یاد بگیرداولا باید درنظر داشته باشد که اینکار جلی نیست بلکه خصوصیات یک رهبری خوب را باید در عمل فراگرفت وآموخت - یک رهبر خوب کسی است که بتواند افراد را برای انجام کاری که مورد توافق قرارگرفته است بسیج کند وسازمان دهد وتشویق نمایدو در آنها ایجاد انگیزه نماید - بعبارت دیگر رهبر کسی نیست که خود انجام دهنده کار

باشد بلکه باید هم خود خوب کار کند و هم ایجاد انگیزه در دیگران بکند تا خوب کارشان را بانجام رسانند ، حال ببینیم این رهبری چگونه بنحو مطلوب صورت میگیرد :

بدوا باید گفت که کار باید در پنج مرحله سازماندهی شود :

۱- تعیین واقع بینانه هدف یا هدفها .

۲- تهیه برنامه اجرائی و تعیین موجبات ووسائل انجام آن .

۳- اجرای برنامه .

۴- ارزشیابی نتایج ضمن عمل .

۵- براساس ارزشیابی یاد شده طرح ریزی واتخاذ تصمیم از لحاظ اجرای برنامه بعدی یا مرحله بعدی طرح وبرنامه .

این پنج نکته اصولی است که توسط مدیریت های ورزیده بکار بسته میشود ، برای اینکه بتوان این اصول را در عمل بطور موفقیت آمیز بکار بست باید دانست که مهمترین عامل انجمنها افراد هستند بعبارت دیگر مهمترین عامل ، عامل انسانی است .

افرادیکه در انجمنها کار میکنند داوطلب هستند نه کارمند ولذا باید باین نکته اهمیت داده شود ، همچنین انتخاب بهترین افراد یا گروهها برای کارهای معین - داده مسؤلیت وایجاد انگیزه در افراد بطور موثر وایجاد ارتباط کافی ومکرر با افراد ، از نکات وعوامل شایان توجه هستند ، ضمنا یادآوری این نکته لازم است که مسؤلین ورزیده انجمنها مسئله عامل انسانی را با پنج اصلی

که فوفا ذکر شد دریک عنصر ونکته جمع میکنند که همان مدیریت مبتنی برکار گروهی است زیرا از خصوصیات عمده مدیریت شرکت دادن افراد درکارها وتصمیمات است وبه عبارت دقیقتر شرکت دادن آنها در تعیین هدفها وبرنامه ریزی واجرا است .

ببینیم این سیستم مبتنی بر مشارکت افراد چگونه عمل میشود ، یکی از مسؤلین انجمن اولیاء ومربیان تجربه خود را اینگونه تقریر کرده است : " دربهار وقبل از تنظیم وتدوین برنامه کار سال آتی پرسشنامه ای بهمه اعضاء ارسال داشتیم ونظریات وپیشنهادات آنها را از لحاظ برنامه جدید حواستار شدیم ودرخواست داوطلب برای کارهای جاری و کمیته ها نمودیم ، پس از جمع آوری پرسشنامه ها متوجه شدیم که بسیاری از اولیاء اظهار نظر کرده اند که آموزش و آگاهی بیشتری در زمینه مسائل تربیتی بآنها داده شود ، آنگاه یک گروه ده نفری تشکیل دادیم تا پیشنهادات ونظراتی را که رسیده بود مورد بحث وتبادل نظر قرار دهند وبدین ترتیب اهم مسائل مورد علاقه مشخص شد ومعین گردید که مسؤلین مدرسه از اولیاء چه انتظار دارند ومتقابلا اولیاء از مسؤلین مدرسه چه میخواهند .

برهمن اساس برنامه آموزش اولیاء را برنامه واجد اولویت برای سال آتی قرارداده آنگاه بامسؤلین مدرسه جلسهای درباره بررسی مسائل مهم تشکیل دادیم ، ضمن

پیشنهادات و نظرات رسیده اکثرا انتقاد شده بود از اینکه به نیازهای واقعی توجهی نمیشود و چیزی که اولیاء میخواستند عبارتست از درک و شناخت دقیقتر و واضحتر درباره آموزش و پرورش ، بهرحال برنامه آموزش اولیاء را در هیأت مدیره انجمن مطرح کردیم و مورد تصویب قرار گرفت و بمنظور تشویق مشارکت و تعیین هدفها پرسشنامه‌ای تهیه کردیم ، گروه تبادل نظر با مشارکت هیئت رئیسه انجمن و مدیران و نماینده مربیان تشکیل و تفاهم شایان توجهی در این زمینه حاصل گردید .

پس از این جلسه گزارشی در مورد هدفهای سال آتی تنظیم نمودیم و از جلسه عمومی انجمن درخواست کردیم که برنامه‌ها را مورد بررسی قرار دهد ، علاوه بر همین جلسه در مورد داوطلبان برای کمیته‌های مختلف تبادل نظر کردیم ، پس از جلسه همگانی داوطلبان و مسئولین در کمیته‌های مورد نظر شرکت کردند و در همین مرحله موضوع مسئولین کمیته‌ها مورد بحث قرار گرفت و از جمله در بعضی کمیته‌ها از اعضاء سال قبل که خوب کار کرده بودند درخواست شد مسئولیت مشترک کمیته‌ها با داوطلبان جدید را تقبل نمایند ، بدین ترتیب کمیته‌ها هیأت رئیسه خود را تعیین کردند ، در همین جلسه اول کمیته‌ها هر کدام برنامه کار سالانه خود را تنظیم نمودند ، رئیس انجمن بعنوان نماینده آن در جلسه اول ،

کلیه کمیته‌ها شرکت کرد تا هم بجریان کارها نظارت نماید و نیز در صورت لزوم نظرات مشورتی خود را ارائه کند ، کمیته‌ها همچنین تصمیم گرفتند یکروز عصر جلسهای با مسئولین مدرسه و درباره مسائل مربوط بآنها داشته باشند و روز دیگر برای بررسی مواد مشخص آموزشی تشکیل جلسه دهند ، همچنین تصمیم گرفته شد درباره روابط و ارتباط بین اولیاء و کودکان برنامه‌ای داشته باشیم ، درباره این برنامه‌ها با انجمن مرکزی تماس گرفتیم تا در صورتیکه منابع و مآخذی درباره مسائل مورد نظر انجمن داشته باشند در اختیارمان قرار دهند .

ضمنا مسئولین کمیته‌ها با مسئولین مدرسه در تماس بودند و بدین ترتیب کمیته‌ها آماده کار شدند یعنی رئیس خود را انتخاب کرده و برنامه کار خود را تنظیم نموده و وظائف اعضاء انجمن را معین کرده و برنامه زمان بندی شده انجام طرح را تنظیم کرده بودند و خوشبختانه همه اعضاء انجمن بطور فعال در کار مشارکت نمودند ، مطالب را در اطلاعیه انجمن درج کردیم و بدین ترتیب اولیاء را در جریان کارهایی که انجام میشود قرار میدادیم تا افرادی که مقداری از وقت و انرژی خود را در اختیار انجمن قرار داده بودند در جریان کارهای انجمن باشند و در نتیجه ایجاد انگیزه بنحو مطلوب تری میسر باشد ، طی سال خیلی کوشش کردیم که در

بقیه در صفحه ۴۲



## دعوت به همکاری و مشارکت در امر

# آموزش پرورش

بدران و مادران گرامی ، اولیاء



شما بخوبی میدانید که آموزش و پرورش یک نهاد مردمی است و بدون مشارکت مردم غیر مقدور و عملاً امکان پذیر نیست ، وظیفه تعلیم و تربیت فرزند بعهدہ پدر و مادر است و آنها موظفند بنا بتوانائی خود تمام امکانات مادی و معنوی تعلیم و تربیت فرزند خود را فراهم سازند و بہر طریق کہ ممکن است در حفظ و حراست این عزیزترین موجود کہ شمره حیات و شیرہ جان آنهاست از صمیم قلب بکوشند و چنین ہم هست ، کدام پدر و مادر است کہ بدین امر حیاتی بی توجه باشد و در انجام این وظیفه خطیر نکوشد . بدیہی است کہ چون آموزش و پرورش باید مردمی ، عمومی ، مداوم و برای ہمگان سهل الوصول باشد و هیچکس در جامعہ از آن بی بہرہ و محروم نہماند و همچنین آموزش بہ صورت عادلانہ در سطح کشور توزیع شود و یک سیاست واحد در ہدایت کل جامعہ بسوی ہدف غائی تربیتی اعمال گردد ناگزیر ہمہ

ما این وظیفه خطیر را بدولت ، که برگزیده ملت است واگذار کرده‌ایم اما این تفویض اختیار هرگز دال بر سلب مسئولیت از ما نمیشود ، همه بخوبی آگاهید که امکانات مادی و معنوی دولت محدود است و در توزیع عادلانه حداقل آموزش در سطح کشور آن هدف اصلی تربیتی که باید عاید گردد نامین نمیشود و آموزش و پرورش در دریائی از مشکلات چون کلاف سردرگمی در می‌آید که نمونه آنرا ملاحظه میکنید .

ما نمیتوانیم منتظر بمانیم که دولت فردا طبق بند ۳ اصل سوم قانون اساسی همه امکانات خود را برای امور آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی بکار برد اگر چنین انظاری هست خواهان من ، برادران من عزیزان من فردا خیلی دیر است ، زمانی فرا میرسد که کار از کار گذشته و افسوس که چرا در وظیفه خود قصور کرده‌ایم سودی ندارد ، گذشته‌ای نه چندان دور را بخاطر بیاورید آنزمانی را که هنوز جای پای استعمار در کشور ما محکم نشده بود وقتی که طاغوت قدرت فرعونیی خود را بحمایت ابرقدرت‌ها بدست نیاورده بود ، هرکس که فرزند خود را در مکتب به استاد میسپرد بنوعی در پیشبرد هدفهای آموزشی او سهیم میشد و آن در مقیاس کوچک بود و معایبی داشت و اینک در یک مقیاس عظیم است و این وحدت

و همفکری و یکی بودن هدفها است که ما را در این امر مهم پیروز خواهد گردانید .  
دولت در حد توانائی خود توانسته است مکان و حداقل تجهیزات ، معلم ، مسئول و خدمتگذاران ، برنامه و کتاب و محتوی و سوخت و میز و صندلی و لوازم التحریر آنرا فراهم کند اما چنانکه می‌بینیم هرگز توانائی آنرا ندارد که مشکلات ساده و روزمره را نیز بصورت اختصاصی حل نماید .

خوب فکر کنید نگاهداری تنها یک کودک در خانه با رعایت کلیه اصول تربیتی چقدر دشوار است آیا چگونه انتظار دارید ماکه عده‌ای محدود و معدود و هر چند با علاقه باشیم که کودکان یک مدرسه را بصورت جامع الجهات و با توجه بتمام ابعاد تربیتی که رعایت جزئیات آن حتما ضروری است ، بدون کمک شما اداره کنیم .

بعنوان مثال تعدادی از شما اولیاء محترم بزرگ هستید وقتی که شایعه‌ای پیرامون یک بیماری خطرناک ولو بی اساس در جامعه می‌پیچد غیر از شما چه کسانی صلاحیت این را دارند که بلافاصله بمدرسه بشنابند و بمدیر مدرسه که نگران و ناراحت کودکان است کمک کنند دیدید که اتحاد یک راه ناصحیح و غیر تربیتی قلب تعدادی از فرزندان عزیز را جریحه‌دار کرد و من هنوز از آن در رنجم وقتی در روزنامه میخوانیم که آتش بخاری در مدرسه‌ای کودکی را مجروح کرد و یاسقف

کنند از طرف دیگر پدرانی را می بینیم که دندانپزشکاند و رسالت حفظ و حراست دندانهای افراد جامعه بعهدده آنها محول شده است .

آیا مسئولیت حفظ دندان کودکان کم بضاعت که دندانهای زیبایی آنها در اثر عدم توجه روبه فساد و نابودی است بعهدده کیست بعهدده پدر و مادر ناآگاه اوست یا بعهده معلم وقتی معلم و مدیر در انجام این وظیفه ناتواناند و وظیفه شما است که به کمک آنها بشتابید هم اکنون عدهای از دانش -

کلاس فرو ریخت و فاجعهای بیبار آورد و این وظیفه اولیاء متخصص و مهندسان مدرسه هست که بنا به وظیفه و مسئولیت خود گاهی بمدرسه بیایند و ساختمان آنرا از لحاظ ایمنی بازدید کنند هستند در هر مدرسه افرادی که در هر زمینه تخصص دارند و آنها مسئولاند و این مسئولیتها شرعی و واجب کفائی است . دندان پزشکی کودکش در مدرسه تحصیل میکند و وظیفه دارد بازاء خدمتی که به او عرضه میشود خدمتی نیز بمدرسه عرضه نماید



آموزان در فصل زمستان نیاز به کفش و لباس گرم دارند بطوریکه بضاعت آنها کفاف تهیه این نوع پوشاک را برای آنها نمیدهد افرادی که میتوانند ، باید در این را کمک کنند .

ما از یک طرف کودکانی را می بینیم که بعلت عدم آموزش کافی خانوادگی در حفظ و حراست دندان خود کوشا نیستند و دستورات معلم بهداشت راهم رعایت نمی -



پزشک خدمات بهداشتی عرضه میکند ، مهندس و معمار در حفظ و حراست ساختمان مدرسه میکوشند یکی به قلم یکی به قدم یکی به زبان یکی با همکاری مربیان همه با هم دست بدست هم در انجام این وظیفه خطیر باید بکوشیم آنوقت خواهید دید که بهترین و با شکوهترین مدرسه را خواهیم داشت که در سایه آن کودکان عزیز و پاک به جامعه تحویل خواهیم داد .

نکته دوم یک مسئله تربیتی است که ما در مدرسه با آن مواجه شده‌ایم و باید با شما در میان بگذاریم و آن اینست که شخصیت کودک در اراده و اختیار و تفکر و تصمیم و در عمل بروز میکند و شما موظفید در این بروز و شکوفائی یار و همراه او باشید .

برای اینکار لازم است گاهی هم در کار - هائیکه برای زندگی خانواده انجام میدهید با فرزند خردسال خود نیز بعنوان یک فرد با شخصیت و با فکر و رای به مشورت بنشینید رای او را بخواهید که مبادا در مدرسه نقل کند که پدرم چنین کرد که من بدان علاقه نداشتم و یا مادرم مرا به زور بچنین کاری واداشت .

نکته دیگر : کودک شما برای خود زندگی خاص دارد و این زندگی برایش بسیار مهم و با ارزش است میخواهد درباره آن با شما سخن بگوید و از شما سخن بشنود . او را در زندگی تنها نگذارید و با او صحبت کنید درباره کارش درباره نظریات و خواسته‌هایش فرزندم

چه میکنی ؟ امروز در مدرسه چه کردی ؟ تعریف کن ببینم معلمها چه گفتند ، از معلمت بگو از مدیر بگو از ناظم بگو از همکلاسه‌هایت بگو چه کسی را بیشتر دوست داری چه کم داری چه میخواهی ؟

درغیر اینصورت کودک شما خود را بی اهمیت ورها شده خواهد دید ، وقتی که از او کار خوبی سرمیزند تقدیرش کنید و وقتی که میخواهید از کارهایش تعریف کنید همیشه درست و استوار و کامل بدون کم و بدون زیاد با احتراز از هرگونه افراط و تفریط سخن بگوئید .

یا ایها الذین آمنوا اتقواالله و قولوا قولا سديدا یصلح لکم اعمالکم : ای افراد با

کنید که ناخدای نکرده مشکلی پیش نیاید .  
 بعزت رعایت اخلاقی در مدرسه کودکانی  
 هستند که امکان تغذیه باندازه کافی را  
 ندارند و معمولا کیف آنها از خوراکیها تهی  
 است در عوض کودکان مرفه‌ای هم هستند که  
 کیف وجیب آنها انباشته از انواع منتقلات  
 رنگارنگ ومیوه‌ها وشیرینی وشکلات است در  
 نظر خود مجسم‌کنید کودکی را که شکلات



ایمان پرهیزکار وخداترس باشید وگفتار  
 درست وقاطع بگوئید تا خدا اعمالتان را  
 اصلاح کند . اگر بگوئید فرزندم تو بهترین  
 کودک دنیائی او را از تلاش بازداشته‌اید اگر  
 بگوئید تو را دوست دارم امیدوارم که موفق  
 باشی درست تر واستوارتر است .

میخورد ومیوه میل میکند وکودکانی را که به  
 حسرت بدهان او مینگرند این از لحاظ  
 تربیتی بهیچ وجه صحیح نیست وبرای حل  
 آن هیچ راهی جز کمک ومساعدت شما نداریم  
 نقاضا دارد از فرزند بخواهید که جـ  
 بیسکویت ومیوه ساده که امکان تهیه آن برای  
 دیگران نیز میسر است همراه خود بمدرسه  
 بیاورند .

بعضی از کودکان همراه خود پول بمدرسه  
 می‌آورند وچون هنوز توانائی حفظ وحراست  
 بقیه در صفحه ۵۸

اگر بگوئید دخترم از تورا ضی ام هرچه  
 بخواهی میخرم سخن درحد افراط نادریست  
 است اما اگر بگوئید دخترم هدیه‌ای برایت  
 خواهم خرید درست واستوارتر است .  
 کودکان را در منزل به صرفه‌جویی در  
 مصرف کاغذ ودفتر ولوازم التحریر عادت  
 دهید وگامهای او را در راه رسیدن باستقلال  
 وخودکفائی کشور استوارتر کنید .

بعضی از کودکان زودتر از وقت معین به  
 مدرسه می‌آیند ودیرتر از مدرسه میروند آمد و  
 رفت کودکان را بمدرسه ومنزل حتما کنترل

# مجله جلد

دهد و هر جنبشی را با غرشی وهر ایمانی را به انفجاری کور وهر مقاومتی را به تروری نام- جوانمردانه پاسخ گوید .

آنچه هست حرکات کثیف وزدانسانسی شیطان چه در شکل مردم فریبانهاش وجه بصورت دندان حمله نشان دادنش حرکتی مردنی اما مداوم است .

طرح روی جلد بهمین مناسبت تهیه شد توضیح اینکه پرنده سفیدی که برگ زیتون برمنقار دارد اسطوره صلح در جهان است و بمب که همیشه سمبل جنگ بوده است را به معنی اعم آن ( جنگ ) ودر معنی اخص آن بمب نوترونی بکارگرفته ایم فضای متلاطم وخورنگ کار کنایه ای است به اوضاع جهان واین سرخی در پائین و سفیدی در بالا. که شفقی است نوعی فجر و دمیدن را تداعسی میکند که کنایه است به فجر وطلوع معیار جدیدی در جهان .

عبار " بهایمان رستن از جنگال دیوان " قسمت بالای بمب بشکل قفسی درآمده که پرنده صلح را در خود اسیر کرده است و در مجموع کل کار بدین معنی است که بمب نوترونی تهدیدی است برای صلح جهانی صلحی که همواره برای امپریالیسم مرگ آور است ویا برآمدن خورشید مستضعفان از افق اسلام همواره باید بوسیله شیطان بزرگ به خطر افتد .

هوشنگ موفق اردستانی

هنگامیکه میلیونها نفر در سراسر دنیا از فقر وگرستگی درحال مرگ هستند امپریالیسم میلیاردها دلار خرج زرادخانهها ومانورهای نظامی دراین خلیج وآن تنگه میکند .

درهنگامیکه قلب جهان درحال طپشی نوین است طپیدنی که آهنگ آن برخلاف همیشه ندای استیلای ضعیف است برقدرتمند شیطان بزرگ مثل همیشه دیوانه وار چه در تدارک سرهنگ نشین های آمریکای جنوبی چه در حفظ سفید پرستی در قلب قاره سیاه چه در سرکوب مبارزان فلسطینی وچسبه در تقویت مزدوران رژیم تلاویو - وجه در بکارگیری موشکهای زمین بزمین کافران بعثی همه جا با انسان مبارزه میکند واکنون که این طپش آهنگی تازه آغاز کرده است امپریالیسم دیوانگی را باوج میرساند و دست بساختن بمب نوترونی میزند سلاح مرگباری که قادر است در لحظه ای صدها هزار انسان را نابود کند بدون اینکه تاسیساتی ویا لوله نفتی آسیب ببیند بله هر روز که مبارزاه مردم ستمدیده در سراسر دنیا اوج بیشتری میگیرد شیطان جهانخوارگی را شقی تر وشتابزده تر اوج میبخشد .

هرلحظه در کمین که به هر حرکت دندان تهدید ویا دست تطمیع نشان

همه کمیته‌ها شرکت کنیم تا از طرفی در جریان پیشرفت کارها قرار گیریم و هم در موارد لزوم نظرات و پیشنهادات خود را ارائه نمائیم و بعلاوه خود من همراه یکبار باهریک از روسای کمیته‌ها تماس و تبادل نظر داشتم تا کمک لازم را در پیشرفت کار با آنها بکنم سعی من این بود که در کمیته‌ها سازمانده و تسهیل کننده باشم و خود را در جزئیات درگیر نکردم بلکه توجه من مصروف به نظارت و مشاوره و ایجاد ارتباط بود و باید گفت که تماس و ارتباط مسئله مهمی است زیرا بسیاری از افراد نیاز باین تماس و ارتباط دارند ( اعم از مسئولین مدرسه و اولیاء و جامعه ) مثلاً ماهی دوبار با مسئولین مدرسه تماس داشتم تا برنامه و پیشرفت کار را مرور نمایم ، یکی از برنامه‌هایی که در مورد آموزش اولیاء اجرا کردیم در زمینه ایجاد ارتباط بود و در این جلسات از سخنرانان مهمان دعوت میکردیم و عصر روز دیگری به صورت گروه کار کوچکی برای بررسی مسائل مشترک کمیته‌ها دورهم جمع میشدیم ، بدین ترتیب با مسائل مهم مربوط به روابط اولیاء و کودکان آشنا شدیم ، این یک تجربه پرمعنا و همچنین پاسخ یک نیاز واقعی بود ، سعی میکردیم در هر یک از مراحل برنامه تا آنجا که امکان داشت افراد بیشتری را به همکاری و تشریک مساعی جلب کنیم تا از این طریق نیازهای خود و کودکان خود و مدرسه را دقیقاً

شناسائی کنیم ، نکته مهم دیگر احتراز از " نامربوط بودن " برنامه‌ها بود تا ایجاد انگیزه در اعضا انجمن و در اولیاء میسر باشد ، انجمن اولیاء و مربیان یک نیروی سازنده و مثبت برای ایجاد همکاری در مدارس و در اجتماع است .

در حال حاضر انجمن‌های اولیاء و مربیان بیش از هر موقع دیگر مورد نیاز جامعه بوده و میزان سودمندی و کارآئی آنها بستگی به چگونگی مدیریت و رهبری موثر آنها و بویژه مشارکت توأم با علاقمندی اولیاء دارد کنه در نهایت امر نتیجه و ثمر کار آنها عاید کودکان و عزیزان خود آنان میشود .

#### بقیه از صفحه ۲۳

بدلیل اینکه عموماً موقعی که میخواهد بدی کند مخفیانه عمل میکند و وقتی بکار نیکویی دست میزند کوشش دارد که دیگران را خبر کند و بنحوی سایرین آگاه گردند و کار او را مشاهده کنند و مورد تقدیر قرار دهند .

- ( ۱ ) سوره مائده آیه ۱۰۵ - علیکم انفسکم لا یضوکم من ضل اذا اهدینم .
- ( ۲ ) سوره فاطر آیه ۱۸ ( ۳ ) سوره نور آیه ۱۰
- ( ۴ ) سوره احقاف آیه ۱۸ - ( ۵ ) سوره تحریم
- آیه ۵ ( ۶ ) سوره نساء آیه ۱۱۱ ( ۷ ) سوره اسراء آیه ۱۳ ( ۸ ) سوره اسراء آیه ۱۴ -
- ( ۹ ) سوره نجم آیه ۳۸ تا آیه ۵۵ - ( ۱۰ ) سوره ق آیه های ۱۵-۱۶-۱۷